

ترکیب آن با گاز چندان آسان نیست و تنها چند کشور محدود در جهان قادر به ساخت آن هستند.

بنا به چندبعدی بودن ماجرا، این کتاب در پنج فصل به روایت پنج نفر از نقش آفرینان این دستاورد ملی تدوین شده است. البته برای پژوهش این اثر با ۲۲ نفر از بازیگران این اتفاق، مصاحبه شده که در نهایت برای راحتی ارتباط مخاطب با محتوا، بازنویسی آن به صورت ذکر شده درآمده است.

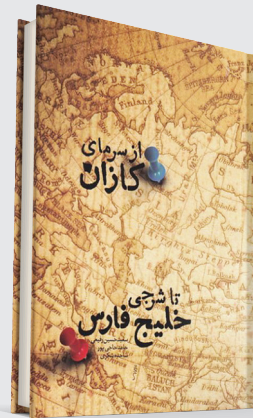
یکی از نکاتی که می‌توانست به فهم و جذابیت بیشتر کتاب کمک کند، استفاده از مدل‌های مفهومی برای فهم جایگاه هر فصل در کلیت فرایند توسعه این فناوری بوده است. همچنین در صورتی که نویسندگان کتاب در ابتدای هر فصل اقدام به درج نام و اطلاعات راویان آن فصل می‌کردند، ارتباط قوی‌تری بین مخاطب و کتاب برقرار می‌شد. با این حال این کتاب به صورت داستانی نوشته شده و مطالعه آن برای علاقه‌مندان به آشنایی با فرایندهای بومی‌سازی فناوری‌های ملی، پراز نکات آموزنده و قابل استفاده است.

بخشی از متن کتاب

همه با هم دور مخزن ایستادیم در حالی که روی پا بند نبودیم. قلبمان به جای قفسه سینه در گلویمان می‌تپید. با وجود اینکه می‌دانستیم همه چیز عین نقشه‌ها اجرا شده اما همچنان نگران بودیم؛ نگران اینکه نکند ایرادی در خود نقشه‌های تفصیلی وجود داشته، یا حتی خطایی در مراحل قبل‌تر، یعنی طراحی پایه و حتی مفهومی اتفاق افتاده باشد.

همه به عقربه دستگاه اندازه‌گیری خیره شده بودیم که باید پر شدن مخزن را نشان می‌داد، اما هر چه منتظر ماندیم جز لرزش‌های کوچکی در عقربه قرمز رنگ اتفاقی نمی‌افتاد. پشت درهای بسته مخزن منتظر تولید ادورانت ایستاده بودیم در حالی که هیچ راهی برای اطلاع از داخلش نداشتیم. زمان انتظار از چند ساعت گذشته بود که هر کس به شیوه خودش به دنبال راه حل افتاد. یکی گوشش را به لوله‌ها نزدیک می‌کرد تا از جریان سیال داخل آنها مطمئن شود، دومی دست روی سطوح مختلف می‌گذاشت تا از دمای آنها به حدس‌وگمانی برسد و دیگری دست به ذکر و دعا شده بود. سیستم تولید، تحت فشار کمی بود و خطری بابت پاشیده شدن مایع به بیرون وجود نداشت ولی ترکیبات سمی ادورانت مانع از این بود که بتوانیم با خیال راحت از پله‌های مخزن بالا برویم و درش را باز کنیم. ساعت‌ها و دقایق به سختی می‌گذشت و همه تقریباً بیشتر زمان روز را دور مخزن به انتظار می‌گذراندیم. باید کاری می‌کردم، به هر حال مسئولیت این پلایشگاه با من بود و باید بلا تکلیفی را به نحوی حل می‌کردم. عاقبت از کمک سنسورهای سنجش سطح مایع دل‌کندم و از پله‌های مخزن بالا کشیدم.

از یکی از همکاران خواستم آچاری بیاورد. صدای اعتراض بلند شده بود که گفتم: «همه دور بایستید، مسئولیتش با خودم!» بعضی با شجاعت از جایشان تکان نخوردند و بعضی من‌من‌کنان عقب کشیدند. هنوز فشارسنج روی مخزن را کامل باز نکرده بودم که مایع ادورانت بیرون زد! مقداری از مایع را در مشت جمع کردم و خیره نگاهش کردم. با صدای بلند گفتم: «بالاخره ادورانت تولید کردیم!»



از سرمایه‌های گازان تا شرحی خلیج فارس

روایت دستیابی به فناوری ماده بودارکننده گاز

توسعه فناوری امری چندوجهی است؛ بالاخص اگر پای فناوری میان‌رشته‌ای و پیچیده‌ای در میان باشد. فی‌المثل گاهی فکر می‌کنیم پیچ و خم‌های دانش فنی محصول از طریق قرارداد همکاری با کشورهای صاحب فناوری منتقل می‌شود. گاهی نیز فناوری را حاصل تحقیق و توسعه دانشمندان بومی می‌دانیم. در مواردی رسیدن به دانش بومی را نتیجه همکاری دو سازمان دولتی فرض می‌کنیم. حتی شاید بخشی از این دانش، محصول تلاش‌های بخش‌های کاربری و تعمیراتی محصول باشد. اما ساخت واحد ادورانت در کشور، حاصل ترکیبی از تمامی این اتفاقات بوده است.

کتاب «از سرمایه‌های گازان تا شرحی خلیج فارس» داستان بومی‌سازی چندوجهی این فناوری مهم و پیچیده توسط پژوهشگاه صنعت نفت است. ادورانت ماده بودارکننده گاز طبیعی است که اگر نباشد امکان تشخیص نشئی گاز وجود ندارد. با این حال ساخت این ماده و